

بررسی صلاحیت اضافی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

فرج الله اسدی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

چکیده

صلاحیت اضافی صلاحیتی است که در آن یک دادگاه علاوه بر صلاحیت اصلی خود نسبت به جرم ارتكابی درحوزه قضایی مربوطه، نسبت به جرم دیگری که ممکن است درحوزه قضایی دیگری ارتكاب یافته باشد رسیدگی نماید. موضوع صلاحیت اضافی به عنوان یک امرتحدیدکننده برای حقوق دفاعی متهمان محسوب می شود و بر همین اساس برخلاف اصول دادرسی منصفانه به شمار می رود. صلاحیت اضافی که شامل تعدد اتهام و تعدد متهم می باشد، همچنین موضوع احاله و نیز صلاحیت انحصاری دادگاه های مرکز استان و پایتخت از استثنائات وارده بر صلاحیت محلی محسوب می شوند. حکم کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع محکومیت جرم که ملاک و معیارهای آن در قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است، درقوانین با احکام دیگری همراه شده و باعث گشته که در پاره ای از موارد دادگاه دیگری غیر از دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشد. لذا در تشخیص مصادیق وموارد آن علاوه برجنبه های تئوری محض، درعمل نیز محاکم و حتی دیوان عالی کشور در خصوص آن اختلاف نظر دارند.

واژه های کلیدی: صلاحیت، صلاحیت اضافی، مراجع کیفری ایران، آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

مقدمه

یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت مراجع قضایی است. وقتی که جرمی ارتکاب یافت باید از بین کلیه مراجع کیفری، تعیین کرد که کدام یک مخصوصاً صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب آن را دارد. صلاحیت در اصطلاح حقوقی، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی بموجب قانون دارند و در تعریف دیگر صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری می باشد که به موجب قانون برای مرجع رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است.

نخستین و مهمترین مسئله ای که مراجع قضایی جهت شروع به تحقیقات و رسیدگی باید به آن بپردازند احراز صلاحیت می باشد. صلاحیت را می توان به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری تعبیر کرد و به واقع به عنوان یک مسئله ی مهم در فرایند دادرسی کیفری صحنه ی چالش میان حفظ نظم و امنیت عمومی است؛ که چه از منظر جامعه نگریسته شود و چه از دیدگاه متهم، لازمه ی اولیه ی تضمین حقوقی است که در آیین دادرسی کیفری از مرحله تعقیب تا پایان ختم دادرسی و اجرای حکم منظور گردیده است. به دلیل اهمیت این موضوع قواعد مربوط به صلاحیت در آیین دادرسی کیفری از قواعد آمره محسوب می شود، همچنانکه ایراد عدم صلاحیت دادگاه در پرونده های کیفری محدود به زمان خاصی نیست و تا پایان ختم دادرسی قابل ایراد از طرف هر یک از طرفین می باشد. فلذا در این راستا به دلیل ضرورت حفظ نظم و امنیت در رسیدگی های کیفری و عدم تداخل موارد صلاحیت، بررسی یکی از استثنائات وارد بر صلاحیت ها و تمیز هریک از موارد صلاحیت اصلی و اضافی (در محاکم اختصاصی) مورد کنکاش قرار می گیرد.

۱- مفهوم شناسی

مفهوم لغوی و اصلاح حقوقی صلاحیت کیفری چیست و به عنوان مجموعه قواعدی از آیین دادرسی کیفری از چه اهمیتی برخوردار است؟ صلاحیت های کیفری از چه خصایصی برخوردارند، به چند دسته تقسیم می شوند و ضمانت اجرای عدم رعایت هر کدام از اینها چه نتیجه ای دربردارد و در صورت حدوث تعارض صلاحیت بین دادگاه ها قواعد حل اختلاف چگونه و بر چه اساسی صورت می گیرد؟

۱-۱- مفهوم صلاحیت

صلاحیت از نظر لغوی و واژگانی به معنی اهلیت داشتن، شایستگی، سزاواری و لیاقت داشتن آمده است. (معین، ۱۳۸۹، ص ۴۲۱) در تعریف صلاحیت کیفری گفته اند: « صلاحیت کیفری عبارت است از شایستگی و اختیاری که به موجب قانون برای مراجع جزایی، جهت رسیدگی به امور کیفری، واگذار شده است. » (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۴۲۱) در تشریح مفهوم صلاحیت اولین اصلی که باید به آن اشاره داشت این است که هر دادگاه یا مرجع موجود در کشور صالح به رسیدگی به هر جرمی که در سطح کشور اتفاق می افتد نیست. به عبارت دیگر رسیدگی به جرایم باید بین مراجع رسیدگی تقسیم شود و هریک از آنها شایستگی و توانایی رسیدگی به تعدادی از جرایم یا جرایم با ویژگی های خاص، به ویژه با توجه به نوع اتهام را دارند. بدین ترتیب پس از وقوع و کشف جرم این پرسش اساسی و مهم مطرح می شود که تعقیب متهم، انجام دادن تحقیقات مقدماتی و سرانجام محاکمه و رسیدگی توسط کدامیک از مراجع کیفری موجود در کشور باید انجام شود. پاسخ این پرسش را باید در قواعد حاکم بر صلاحیت راجع به مراجع کیفری جست و جو کرد. نظر به اینکه در چارچوب قوانین کیفری و دادرسی ایران موظف های تعیین صلاحیت اصولاً بر اساس معیارهای ذاتی و محلی صورت می گیرد، ابتدا بررسی معنا و مفهوم صلاحیت و سپس به انواع آن بررسی می شود.

۲-۱- خصایص قوانین مربوط به صلاحیت

قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت کیفری دارای خصایص و ویژگی هایی است. این ویژگی ها گاهی به عنوان زیر مجموعه ای از قوانین مربوط به دادرسی کیفری و غذا حکم قانون بر آنها بار می شوند، و گاهی به دلیل اهمیت و حساسیت این دسته از قوانین در دکترین و نظریات حقوقی تعریف شده اند و در بعضی موارد با مقررات عام دادرسی کیفری مطابقت کامل ندارد که در ادامه به این ویژگی ها اشاره می شود.

۱-۲-۱- امری بودن قانون

قوانین راجع به صلاحیت ناظر به نظم عمومی است. منظور این است که مقررات مربوط به آن در جهت اعمال صحیح تر عداغت قضایی وضع شده است و به همین دلیل و برخلاف امور حقوقی که در پاره ای از موارد اصحاب دعوا می توانند با توافق یکدیگر از صلاحیت مرجع خاص صرفنظر کنند، در امور کیفری عدم رعایت قواعد و مقررات راجع به صلاحیت حتی با توافق یکدیگر تجویز نشده است، لذا نادیده گرفتن این قواعد جز در موارد مصرح در قانون نقض حکم یا قرار صادره از سوی مرجع تالی توسط دادگاه های عالی را دربردارد؛ به همین دلیل این نوع قوانین و مقررات آمره می باشند و توافق افراد بر خلاف آنها اثری در تنبیر یا انعطاف پذیری آنها ندارد. در همین راستا و به جهت آمره بودن قوانین فوق الذکر و ارتباطی که با نظم عمومی دارد کلیه مراجع کیفری مکلفند قبل از شروع به تحقیق و رسیدگی به دقت صلاحیت خود را بررسی کنند.

۲-۲-۱- اجرای فوری قانون

اجرای فوری قوانین یعنی بازگشت آثار قانون به گذشته. اصولاً قوانین به گذشته عطف نمی شوند و گفته می شود قانون اثر قهقرایی ندارد و تاثیر آن نسبت به حال و آینده است؛ اما استثنائاتی وجود دارد که قوانین به گذشته عطف می شوند. در این زمینه باید میان قوانین شکلی قوانین ماهوی قائل به تفکیک شد. قوانین کیفری ماهوی اصولاً به گذشته عطف نمی شوند و بنابراین اصل بر عدم عطف به ماسبق شدن آنهاست؛ مگر در برخی موارد استثنایی ذیل:

۱- قانون فعلی مبتنی بر تخفیف باشد.

۲- قانون فعلی مبتنی بر عدم مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی باشد.

۳- قانون فعلی از جهاتی مساعد به حال متهم باشد.

اما قوانین کیفری شکلی و از جمله قوانین راجع به صلاحیت کیفری -برخلاف قوانین کیفری ماهوی- اصولاً به گذشته عطف می شوند مگر در برخی موارد استثنایی:

۱- قانون شکلی جدید برخلاف حقوق مکتسبه ای افراد باشد.

۲- خود قانونگذار تصریح کرده باشد که به گذشته عطف نشود (مانند تبصره ی ۳ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک).

۳-۲-۱- تفسیر منطقی قانون

مقررات حقوق جزا جنبه ی ماهوی دارند و به همین دلیل از آنها به قوانین جزایی به معنی اخص تعبیر می شود، و به این اعتبار با مقررات آیین دادرسی کیفری که قواعدی صوری و شکلی بوده متفاوت است. (آخوندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۰) اما چگونه می توان این قواعد و مقررات را از هم بازشناخت؟

تفکیک این دو قواعد را علمای حقوق بر مبنای "موضوع" استوار دانسته اند و می گویند: "قواعد کیفری ماهوی قواعدی هستند که اعمال و رفتارهای ممنوع و درخور مجازات را تعریف و در نوع یا میزان مجازات ها تنبیهی ایجاد می کنند یا در قواعد حقوق عمومی بدعتی ایجاد می کنند." برعکس قوانین شکلی قوانینی هستند برای پیشگیری از اشتباهات قضایی و اعمال هرچه بهتر قوانین عداغت کیفری وضع می شوند و ناظر به قوانین آیین دادرسی کیفری (تعقیب متهم، تحقیق، محاکمه، اجرای حکم و غیره) به معنای وسیع کلمه اند.

۳-۱- انواع صلاحیت کیفری

در زمینه ی صلاحیت مراجع کیفری با توجه به موقعیت اجتماعی بزهکار، اهمیت جرم ارتكابی و محل وقوع جرم سه نوع صلاحیت پیش بینی گردیده است:

۱- صلاحیت ذاتی ۲- صلاحیت محلی ۳- صلاحیت شخصی

۱-۳-۱- صلاحیت ذاتی

صلاحیت ذاتی در قانون تعریف نشده است و باید به مدد اوصافش آن را شناخت. گفته می شود که قابل جابجایی نیست و با نظم عمومی صد در صد گره خورده است. در اجرا تغییرناپذیر است، و تخلف از آن موجب بی اعتباری گام های برداشته شده در رسیدگی می شود. اصولاً صلاحیت ذاتی در تعیین مراجع صالح در رسیدگی های حقوقی نیز موردنظر است و سه عنصر صنف، نوع و درجه صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیرقضایی یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می کند (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۹).

۲-۳-۱- صلاحیت محلی

پس از تعیین صلاحیت ذاتی نوبت به صلاحیت محلی می رسد. یعنی نوعی دیگر از صلاحیت که همواره با صلاحیت ذاتی مجموعاً تعیین کننده ی صلاحیت مرجع رسیدگی کننده است، صلاحیت محلی نام دارد که از آن به عنوان صلاحیت نسبی هم یاد می شود. بدین ترتیب بعد از اینکه معلوم گردید که مثلاً برای رسیدگی به اتهام کلاهبرداری مرجع صالح از لحاظ صنف یک مرجع کیفری، از لحاظ نوع یک مرجع عمومی و از لحاظ درجه مرجع رسیدگی بدوی است. برای تشخیص صلاحیت محلی ضوابط چهارگانه ای وجود دارد که در ماده ی ۱۱۶ ق.آ.د.ک به این صورت به آنها اشاره شده است:

"بازپرس در حوزه ی قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می کند و در صورت وجود جهات قانونی در مواد زیر شروع به تحقیق می نماید:

الف - جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.

ب- جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده و غی در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد.

ج- جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع و غی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد."

در رابطه با صلاحیت محلی لازم به ذکر است که تعیین محل ارتکاب جرم همواره آسان نیست، بلکه ممکن است با توجه به نوع جرایم متفاوت باشد. به عنوان نمونه برخلاف جرایم ساده و آنی (که تعیین محل وقوع آنها پیچیده نیست)، در جرایم مستمر، به عادت و مرکب ممکن است عنصر مادی جرم در چند محل به منصفه ی ظهور رسیده باشد، و یا اینکه عنصر مادی به صورت فعل نبوده، و یا عنصر مزبور اساساً فاقد محلی مشخص در قلمرو حاکمیت ایران است؛ که اینگونه موارد باید دقیق بررسی شوند.

۳-۳-۱- صلاحیت شخصی

تعیین مرجع صالح با توجه به موقعیت اداری، اجتماعی و یا سن متهم، این نوع صلاحیت که صرفاً مختص مراجع کیفری است و در مراجع حقوقی مشاهده نمی شود، به خصوصیات و شخصیت متهم توجه دارد و بر اساس شخصیت مرتکب اعطای صلاحیت می کند. به عبارت دیگر گاهی به جای موضوع اتهام شخصیت مرتکب مورد توجه قرار می گیرد و قانون رسیدگی به اتهام افرادی معین را در صلاحیت مرجعی خاص قرار می دهد. به عبارت دیگر در این شکل از صلاحیت، موضوع اتهام تعیین کننده ی صلاحیت ذاتی نبوده است، بلکه صلاحیت ذاتی بر پایه ی شخصیت متهم تعیین می گردد.

۴-۱- برگشت از صلاحیت محلی و قواعد آن

همانگونه که قبلاً گفته شد صلاحیت ذاتی بر اساس موضوع جرم و صلاحیت شخصی بر اساس شخصیت مرتکب تعیین می شود. استثنائات این ملاک ها حسب مورد در قوانین یا در آراء وحدت رویه ی قضایی ممکن است تعیین گردد. در این مقاله به بررسی این موضوع می پردازیم تا معلوم شود در چه مواردی به اصل کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم، استثناء وارد شده است و رسیدگی در دادگاه دیگری که جرم در حوزه ی آن واقع نگردیده است به عمل خواهد آمد. این استثنائات سه مورد هستند: احاله، صلاحیت اضافی و صلاحیت انحصاری دادگاه های مرکز استان یا پایتخت.

۱-۴-۱- احاله

احاله ی دعوی کیفری به عنوان یکی از استثنائات وارده بر صلاحیت محلی دادر و دادگاه صلاحیتدار محلی می باشد که در مواد ۴۱۸ الی ۴۲۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته است. بنابراین احاله یعنی ارسال و انتقال پرونده از دادگاه صالح به دادگاه غیر صالح (از نظر محلی)، که البته باید دادگاه مورد نظر صلاحیت ذاتی را داشته باشد. بنابراین احاله فقط در صلاحیت محلی مطرح می شود نه در صلاحیت ذاتی. از طرفی رعایت تشریفات قانونی جهت احاله ضروری است. در مورد دادگاه های کیفری یک و دو ماده ی ۴۱۸ ق.آ.د.ک مستند بحث ما خواهد بود و در مورد محاکم نظامی تبصره ی ماده ی فوق الذکر و تبصره ی ماده ی ۴۲۰ نیز به آن اشاره دارند.

۲-۴-۱- صلاحیت اضافی

منظور از صلاحیت اضافی صلاحیتی است که یک دادگاه علاوه بر صلاحیت اصلی خود نسبت به جرم ارتكابی در حوزه ی قضایی اش، نسبت به جرمی دیگر که ممکن است در حوزه ی قضایی دیگری واقع شده باشد، اعمال می کند (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۸). بنابراین صلاحیت دادگاه نسبت به جرم واقع شده در خارج از حوزه ی قضایی خود یک صلاحیت اضافی تلقی می شود (همان: ۲۸). موارد صلاحیت اضافی عبارتند از:

- جرم واحد و متهمین متعدد

- جرایم متعدد و مجرم واحد

- تعدد جرم و مجرم

۳-۴-۱- جرایم ارتكابی مقامات

نوع سوم موارد عدول از صلاحیت محلی، جرایم ارتكابی برخی از مقامات و مسئولان عالی رتبه است. در اینگونه موارد به دلیل مقام و موقعیت رسمی مرتکب قانونگذار از اصل کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم عدول کرده و رسیدگی به آن را منحصر در صلاحیت دادگاه های کیفری مرکز استان یا تهران قرار داده است. در اینگونه موارد دادسرای صالح به انجام تحقیقات نیز حسب مورد دادسرای شهرستان مرکز استان یا پایتخت است.

نکته ای که در رابطه با جرایم مقامات لازم به ذکر است اینکه، به استناد ماده ی ۳۰۹ ق.آ.د.ک، صلاحیت رسیدگی دادگاه های مراکز استان ها و یا تهران، فارغ از آن است که در زمان تصدی سمت های مذکور و یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند. بنابراین برای صلاحیت استثنایی مقرر در مواد ۳۰۸ و ۳۰۸، مرتکب باید یا در زمان "ارتکاب جرم" تصدی یکی از سمت های یاد شده را داشته باشد یا در زمان "رسیدگی به جرم". در هر حال کافی بودن ارتکاب جرم قبل از تصدی این سمت ها برای احراز صلاحیت دادگاه های تهران یا مرکز استان به خوبی نشان می دهد که لازم نیست جرم ارتكابی در ارتباط با انجام وظایف مرتکب باشد (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۴۳).

۲- بررسی صلاحیت های اضافی مراجع قضایی

صلاحیت اضافی به عنوان یک از انواع صلاحیت در امور کیفری، صلاحیتی است که قانون گذار به اعتبار ارتکاب جرائم متعدد در حوزه های گوناگون به وسیله یک شخص و یا مشارکت یا معاونت دو یا چند نفر در جرم واحد برای مراجع کیفری در ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی کرده است. اعمال صلاحیت اضافی باید به طور حتم با رعایت مقررات صلاحیت ذاتی باشد.

۱-۲- بررسی صلاحیت های اضافی دادگاه عمومی جزایی

بعد از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید، تقسیم بندی دادگاه ها و صلاحیت آنها نیز تا حدی تغییر کرد. دادگاه کیفری استان تبدیل به دادگاه کیفری یک شد و دادگاه عمومی جزایی به دادگاه کیفری دو. ساختار دادگاه کیفری دو به این ترتیب است که این دادگاه با حضور یک رئیس یا دادرس علی البدل که از قضات هستند تشکیل می شوند.

در واقع اگر جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی است را مشخص کنیم، سایر جرایم در حوزه صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار می گیرد.

۲-۲- بررسی صلاحیت های اضافی دادگاه اطفال

به توجه به اهمیت جایگاه کودکان و اطفال که آینده ساز جامعه میباشند قانون گذار باید نگاهی ویژه به این اشخاص داشته باشد و در این راستا قانون گذار جمهوری اسلامی تلاش کرده تا در قانون مجازات ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری نگاه ویژه ای به این اشخاص داشته باشد. بر اساس مبانی جرم شناختی و جرم شناسی واقعیت های اجتماعی کودک و نوجوان افتراقی بودن فرآیند رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان ضرورتی انکارناپذیر است. هدف از افتراقی سازی فرآیند رسیدگی این گروه اصلاح و بازپروری آنان در جامعه است. مطابق قانون اصل بر این است که به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی شود مگر استثنائات:

استثناء اول: از لحاظ سن مرتکب، یعنی مطابق قانون چنانچه قبل از رسیدگی سن متهم از هیجده سال تجاوز کند، اتهام وی در دادگاه کیفری رسیدگی می شود. (ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

استثناء دوم: از لحاظ نوع جرم، به عبارت بهتر صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوان دارای دو استثناء است یکی از نظر نوع جرم و دیگری از لحاظ سن مرتکب جرم.

۲-۳- بررسی صلاحیت های اضافی دادگاه کیفری استان

با تصویب قانون فعلی آیین دادرسی کیفری دادگاه های کیفری استان از تشکیلات قضایی کشور حذف شده و به موجب تبصره ۳ ماده ۲۹۶ این دادگاه ها به دادگاه های کیفری یک تبدیل می شوند. دادگاه کیفری یک مستقر در مراکز استان ها علاوه بر رسیدگی به جرایم مندرج در ماده ۳۰۲ مطابق ماده ۳۰۵ به جرایم سیاسی و مطبوعاتی و طبق ماده ۳۰۸ همان قانون به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات های دولتی و نهادهای و مؤسسات های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسات ها، ادارات دولتی و نهادهای و مؤسسات های عمومی غیردولتی استان ها و شهرستان ها، رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان ها و بخشداران رسیدگی می کنند.

۳- احکام و شرایط صلاحیت های اضافی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

صلاحیت اضافی یکی از انواع صلاحیت مراجع قضایی است. در مواردی که جرم واحد، توسط افراد متعدد صورت گیرد، جرایم متعدد، توسط یک نفر واقع شود، پس از صدور حکم، معلوم گردد محکوم علیه، محکومیت های دیگری داشته است. جرایم با یکدیگر، ارتباط تامی داشته باشند. جهاتی که موجب احاله امر کیفری می شود، نیابت قضایی و ضرر و زیان مورد مطالبه در دادگاه کیفری، ناشی از جرم باشد، از عمده ترین موجبات صلاحیت اضافی کیفری است. مبانی صلاحیت اضافی عبارتند از: حفظ نظم عمومی، تامین بهتر اهداف مجازات ها، آئین دادرسی عادلانه تر و بهتر، تضمین بیشتر حقوق فردی، رعایت اصول قانونی بودن جرایم و مجازات ها و تضمین نفع اجتماعی.

۳-۱- دادگاه های کیفری، رسیدگی و صدور رأی

دادگاه های کیفری به موجب ماده ۲۹۴ قانون فعلی به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه های نظامی تقسیم می شود.

۳-۱-۱- صلاحیت دادگاه کیفری یک

طبق ماده ۳۰۲ قانون فعلی؛ به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود: الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات، ب- جرائم موجب حبس ابد، پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن، ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر، ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی". اختیارات مزبور طبق تبصره ۱ ذیل ماده ۴ الحاقی به ق.ت.د.ع.ا مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۸ بدین ترتیب مقرر شده بود: "رسیدگی به جرائمی که مجازت قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی، به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود، در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد". تبصره ۱ ذیل ماده ۲۰ همان قانون نیز مفید این معناست.

۳-۱-۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو

این دادگاه با حضور رئیس یا دادرس علی البدل در حوزه قضائی هر شهرستان (ماده ۲۹۵) و دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد. (ماده ۲۹۶) و برابر تبصره ۱ این ماده، دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان ها تشکیل می شود. در حوزه هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی آن استان رسیدگی می شود.

۳-۱-۳- صلاحیت دادگاه انقلاب

به موجب ماده ۳۰۳ این قانون؛ "به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می شود: الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام، ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری، پ- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیشسازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل، ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است".

۳-۱-۴- دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود. نظر مشاوران، مشورتی است. (ماده ۲۹۸) و برابر تبصره این ماده؛ در هر حوزه قضائی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان، به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد رسیدگی می شود.

۵-۱-۳- دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

با این وجود، برابر ماده ۳۱۵ این قانون؛ "در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد".

۶-۱-۳- رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی

به موجب ماده ۳۰۵ این قانون؛ "به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می شود". این ماده تبلور تحقق اصل ۱۸۶ قانون اساسی پس از گذشت نزدیک به ۴ دهه می باشد و با وجود عدم تعریف و تدقیق جرم سیاسی و روشن نبودن مرز بین آن و جرائم امنیتی در نظام حقوقی ایران، ابهامات متعددی در سر راه اعمال این ماده و تحقق آن در آتیه وجود خواهد داشت.

۴- نتیجه گیری

قانون آئین دادرسی کیفری، از مهم ترین قوانین پایه ای هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می شود. مقررات نظام قضایی، دادرسی قضایی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دگرگونی و تغییرات کلی و جدی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی نظمی و نابه هنجاری های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آنگونه که همگان در زمان حذف قانون دادرسی و قانون احیاء دادرسی شاهد بوده اند. قانون فعلی هم برای یک دوره سه ساله آزمایشی مقرر شده و قابلیت اجرا خواهد یافت و امکان تغییر در آن نیز ممتنع نخواهد بود.

قانون فعلی با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری درخصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آئین نامه های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارب حرفه ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می تواند، موثر و نقش آفرین گردد. این قانون، مشتمل بر هفت بخش در قالب "کلیات، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادگاه های کیفری، رسیدگی و صدور رای، اعتراض به رای، اجرای احکام کیفری و اقدامات تامینی و تربیتی، هزینه دادرسی و سایر مقررات" تنظیم و تدوین شده است.

قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال "اصل تفسیر مضیق به نفع متهم"، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است.

یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت مراجع قضایی است. وقتی که جرمی ارتکاب یافت باید از بین کلیه دادگاه های کیفری، تعیین کرد که کدام یک مخصوصاً صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب آن را دارد. صلاحیت در اصطلاح حقوقی، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی بموجب قانون دارند و در تعریف دیگر صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری می باشد که به موجب قانون برای مرجع رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است. حقوق دانان بر مبنای نوع جرم، اهمیت بزه ارتكابی، محل وقوع جرم، موقعیت شغلی و اجتماعی بزهکار و نیز با در نظر گرفتن سن و درجه نظامی او (در خصوص نظامی ها) صلاحیت را در امور کیفری به سه قسم صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی تقسیم نموده اند. دو نوع دیگر صلاحیت یعنی صلاحیت اضافی و صلاحیت نسبی، صلاحیت جداگانه ای محسوب نمیشوند بلکه در سه قسم پیش گفته نهفته است.

صلاحیت اضافی صلاحیتی است که علاوه بر صلاحیت ذاتی یا صلاحیت محلی به یک دادگاه اجازه رسیدگی به او داده می شود که طبق ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مشتمل بر زمانی است که متهم واحد مرتکب جرائم متعدد شده باشد یا متهمین مختلف «یک معاون، یک شریک، یک مباشر» در یک جرم وجود داشته باشند و قانونگذار به منظور تسهیل در رسیدگی صلاحیت رسیدگی به این جرائم را به مرجعی که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد واگذار کرده است. صلاحیت اضافی در واقع استثنائی است بر صلاحیت های محلی و ذاتی به جهت رسیدن به این عدالت و همانگونه که اشاره شد در حقوق ما صلاحیت اضافی به عنوان استثنایی بر قاعده صلاحیت محلی (صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم) شناخته شده است و نمی توان ناقص صلاحیت دادگاه ها باشد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق صلاحیت اضافی در پرتو آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به شرح ذیل است:

تقسیم بندی جدید دادگاه های کیفری: دادگاه های کیفری به موجب ماده ۲۹۴ قانون فعلی به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه های نظامی تقسیم می شود. گرچه، وضعیت دادگاه روحانیت در این ماده تعریف و تدقیق نشده، لکن تقسیم بندی مزبور، از نوآوری های قانون فعلی می باشد!

صلاحیت دادگاه کیفری یک: طبق ماده ۳۰۲ قانون فعلی؛ به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود:

الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات،

ب- جرائم موجب حبس ابد،

پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن،

ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر،

ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی". اختیارات مزبور طبق تبصره ۱ ذیل ماده ۴ الحاقی به ق.ت.د.ع.ا مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۸ بدین ترتیب مقرر شده بود: "رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی، به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود، در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد". تبصره ۱ ذیل ماده ۲۰ همان قانون نیز مفید این معناست.

صلاحیت دادگاه کیفری دو: این دادگاه با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان (ماده ۲۹۵) و دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می‌شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد. (ماده ۲۹۶) و برابر تبصره ۱ این ماده، دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی آن استان رسیدگی می‌شود.

طبق تبصره ۳ آن؛ دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزائی موجود، به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره درمورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است.

در تمامی جلسات دادگاه‌های کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دایاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند، مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد که در این مورد و در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده او الزامی است، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود، مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند. (ماده ۳۰۰) همچنین، برابر ماده ۳۰۱ قانون فعلی، دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان:

باین وجود، برابر ماده ۳۱۵ این قانون؛ "در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد". همچنین، طبق تبصره ۱ این ماده؛ "در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست". بعلاوه، طبق تبصره ۲ این ماده؛ "حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک، ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است".

همچنین، طبق ماده ۴۰۲ این قانون؛ "در مواردی که دادگاه کیفری یک حسب مقررات این قانون صلاحیت رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد، رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی است".

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی: به موجب ماده ۳۰۵ این قانون؛ "به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود". این ماده تبلور تحقق اصل ۱۸۶ قانون اساسی پس از گذشت نزدیک به ۴ دهه می‌باشد و با وجود عدم تعریف و تدقیق جرم سیاسی و

روشن نبودن مرز بین آن و جرائم امنیتی در نظام حقوقی ایران، ابهامات متعددی در سر راه اعمال این ماده و تحقق آن در آتیه وجود خواهد داشت!

منابع

کتاب ها

۱. آخوندی، محمود، "آیین دادرسی کیفری کاربردی"، چاپ سوم، تهران، انتشارات دوراندیشان، ۱۳۹۴.
۲. آشوری، محمد، "آیین دادرسی کیفری"، ج ۲، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۳. اردبیلی، محمدعلی، "حقوق جزای عمومی"، ج ۲، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
۴. استفانی، گاستون و دیگران، "آیین دادرسی کیفری"، ترجمه ی دکتر حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
۵. جوانمرد، بهروز، "فرایند دادرسی کیفری"، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
۶. خالقی، علی، "آیین دادرسی کیفری"، ج ۱، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
۷. رحمدل، منصور، "آیین دادرسی کیفری"، ج ۳، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
۸. زراعت، عباس، "آیین دادرسی کیفری"، ج ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
۹. سازمان قضایی نیروهای مسلح، "مجموعه نشست های قضایی"، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۵.
۱۰. سازمان قضایی نیروهای مسلح، "منتخب آراء دیوانعالی کشور در مورد جرایم نظامی و انتظامی"، ج ۳، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۳.

مقالات

۱. زراعت، عباس (۱۳۸۴)، "تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن در صلاحیت مراجع قضایی"، ماهنامه ی قضایی، شماره ۵۱، ص ۱۸-۲۳
۲. خالقی، علی، کاظمی، سید سجاد. (بهار و تابستان ۱۳۹۴). تحلیلی بر صلاحیت دادگاه های ایران در رسیدگی به جرم دزدی دریایی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره ۳.